

فصل پنجم

(اسلام و انقلاب اسلامی)

درس دوازدهم (شیرعت)

حکایت (لن شاء الله)

صبح صادق قدرت کاذب گست رشته‌های دام اهریمن گست

معنی : صبح راستین و حقیقی طلوع کرد (امام به میهن آمد) و شکوه و قدرت صبح دروغین (رژیم پهلوی) را از بین برد .

صبح صادق : صبح راستین / کاذب : دروغین / گسست : برید / اهریمن : شیطان / صبح صادق : استعاره از انقلاب اسلامی / صبح کاذب :

استعاره از رژیم شاهنشاهی

رشته اهریمن گسست : کنایه از نابود شدن رژیم شاه / صبح صادق : منظور امام خمینی

تاریخ ادبیات :

حمید ممتحنی متخلص به حمید سبزواری در سال 1314 در سبزواری بدنیا آمد . از شاعران خوشنام دوران انقلاب اسلامی است . بیشتر

سروده های او مربوط به فضای انقلاب است . آثار او عبارتند از : **سرود درد ، سرود سپید**



شیرِ حق

۱۲

درس دوازدهم

قالب شعری : مثنوی یا دوتایی

لحن : روایی و توصیفی ، تعلیمی

پیام متن : اهمیت باطن و نیت

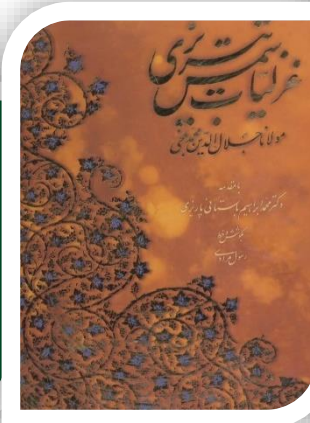
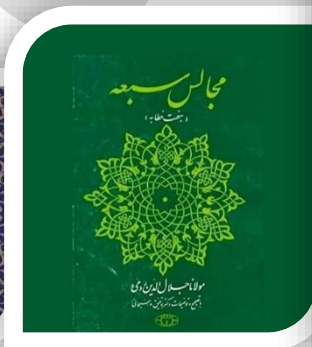
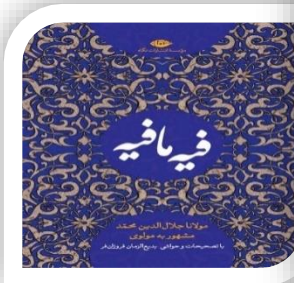
اخلاص داشتن در کارها

نماز اخلاق های زشت را از بین می برد

از علی آموز اخلاص عمل
در غزا بر پهلوانی دست یافت
او خدو انداخت بر روی علی
در زمان انداخت شمشیر آن علی
کشت حیران آن مبارز، زین عمل
گفت: «بر من تیغ تیز افراشی
گفت: «من تیغ از پی حق می زخم
شیر حقم، نیستم شیر هوا
باد حتم و باد شوت ، باد آرز
چون درآمد در میان، غیر خدا
شیر حق را دان مُنزه از دُش
زود شمشیری برآورد و شافت
افتخار هر بنی و هر ولی
کرد او اندر غزایش کاحلی
وز نمودن عفو و رحم بی صل
از چه انگندی، مرا بگذاشی؟
بنده حقم نه نامور تنم
فل من بر دین من باشد کوا
برو او را که نبود احل نماز
تیغ را دیدم نمان کردن سزا»

مولانا جلال الدین بلخی: از شاعران و عارفان بزرگ ایران در قرن هفتم است آثار او عبارتند از: مثنوی معنوی، دیوان شمس، فیضیه، مکتوبات

و مجالس سبزه



از علی آموز اخلاص علی شیر حق را دان منزه از دغل

معنی: از امام علی (ع) پاکدلی و پاکی نیت را یاد بگیر. شیر خدا را از دغل و نیرنگ منزه و پاک بدان.

اخلاص: خالص بودن، پاکی نیت / شیر حق: منظور حضرت علی / منزه: پاک و بی عیب / دغل: مکر و فریب، ناراستی

در غزاهای پهلوانی دست یافت زود شمشیری و برآورد و شتافت

معنی: امام علی در جنگ بر پهلوانی (عمر بن عبدود) پیروز شد زود شمشیرش را بالا آورد و به سوی او شتافت تا او را بکشد.

غزا: پیکار، جنگ کردن در راه خدا / **دست یافت:** کنایه از این که پیروز شد، مسلط شد، چیرگی یا پیروزی بر کسی / شمشیر برآوردن:

کنایه از بیرون کشیدن شمشیر، آماده نبرد شدن

او خند انداخت بر روی علی افتخار هر نبی و هر ولی

معنی: آن پهلوان آب دهانش را بر صورت حضرت علی انداخت. به روی کسی که مایه افتخار پیامبر و اولیا است.

خندو: آب دهان / **نبی:** پیامبر / **ولی:** سرپرست

در زمان انداخت شمشیر آن علی کرد او اندر غزایش کاهلی

معنی: امام علی سریع شمشیر را انداخت از جنگیدن با آن پهلوان دست کشید و مکث کرد.

در زمان: فوراً / کاهلی: سستی / غزا: جنگ / شمشیر انداختن: کنایه از کنار کشیدن، تسلیم شدن

گشت حیران آن مبارز زین علی در نمودن عفو و رحم بی مثل

معنی: آن مبارز از این کار از نشان دادن بخشش و رحم بی محل متعجب شد.

عفو: بخشش، گذشت / **بی محل:** بی جا، بی وقت / **آن مبارز:** پهلوان عرب، عمر بن عبدود / **بی محل:** نامناسب، ناشایست

گفت: بر من تیغ تیز افراشتی از چه انگیزی مرا بگذاشتی

معنی: آن پهلوان به حضرت علی گفت شمشیر تیز بر روی من کشیدی چرا شمشیر را انداختی و مرا زنده گذاشتی؟

تیغ: شمشیر / افراشتی: بالا بردی / بگذاشتی: زنده نگه داشتی، رها کردی / تیغ تیز افراشتن: کنایه از قصد جان کسی داشتن، آماده نبرد شدن / تضاد: افراشتن، افکندن / جناس ناقص اختلافی: تیغ، تیز

گفت: من تیغ از پی حق می زنم بنده حقم، ز مامور تهم

معنی: گفت من برای رضای خدا شمشیر می زنم، بنده خدا هستم و مامور اجرای فرمان های نفس نیستم.

تیغ: شمشیر / از پی: به خاطر / مامور: مطیع، فرمانبردار / تیغ زدن: کنایه از شمشیر زدن / آرایه تکرار: حق / تلمیح به حدیث پیامبر «الاعمال بالنیات» (عمل ها با نیت ها سنجیده می شود.)

شیر حقم نیم شیر هوا فعل من بردین من باشد گوا

معنی: شیر خداوند هستم و شیر هوای نفس (میل و خواسته های نفسانی) نیستم. رفتار و عملم بر دین و ایمان من گواهی می دهد.

هوا: میل و خواهش های درونی / فعل: رفتار / گوا: شاهد، دلیل / تشبیه: شیر حقم / تلمیح: الاعمال بالنیات / جناس تام: شیر (شجاعت)، شیر (شیر جنگل)

باد خشم و باد شهوت باد آرز برداو را که نمود اهل نماز

معنی: خشم، شهوت و طمع مانند باد است که انسان های بی نماز را از بین می برد. (تاکید بر نماز خواندن)

آز: زیاده خواهی، طمع / بُرد: نابود کرد / تشبیه: باد خشم، باد شهوت، باد آرز / تلمیح به آیه قرآن «ان الصلاه عن الفحشا و المنکر» / مراعات نظیر: خشم، شهوت، آرز

چون در آمد میان غیر خدا تیغ را پنهان کردن منرا

معنی: چون کار غیر خدا در میان آمد پنهان کردن شمشیر را شایسته پنداشتم.

غیر خدا: خواهش های نفسانی / سزا: شایسته / دیدم: تصور کردن، پنداشتن / تیغ پنهان کردن: کنایه از کنار کشیدن از جنگ

واژه های مهم اطلالی متن: اخلاص، مژده، دغل، غزا، آرزو، شهوت

آورده اند که، مردی در راهی می رفت و درمی چند در آستین داشت و در عقیدتش خلل بود. یکی او را گفت: «کجا می روی؟» گفت: «درمی دارم؛ به خز فروشان می شوم تا خزی خرم.» گفت: «بگو این شاءالله!» گفت: «به این شاءالله چه حاجت است؟ که زر بر آستین است و خز در بازار!» او بگذشت. در راه طزاری به وی بازخورد و آن زر به حیلت برد. چون آن مرد واقف شد که زر بردند، خجل وار بازگشت و به اتفاق، هم آن مرد به او بازخورد و گفت: «هان! خز خریدی؟» گفت: «زر بردند این شاءالله.» گفت: «اشتباه کردی؛ این شاءالله در آن موضع باید گفت تا فایده دهد!»

روح الارواح، سمعانی

آورده اند: نقل کرده اند. / مردی: یک مرد / درم: پول نقره

/ عقیدت: ایمان، باور / خلل: سستی، تباهی، ضعف

در عقیدتش خلل بود: ایمانش سست و ضعیف بود

به: پیش، نزد / خز: پوست / خز فروشان: بازار پوست فروشان

می شوم: می روم / حاجت: نیاز

زر در آستین بودن: کنایه از آماده بودن شرایط

بگذشت: رد شد، عبور کرد / طزار: دزد، راهزن

بازخورد: برخورد کرد / حیلت: مکر و فریب / ببرد: دزدید، برد

واقف: آگاه / خجل وار: مانند انسان شرمنده / به اتفاق: اتفاقا

موضع: جایگاه، موقعیت / فایده دهد: سودمند باشد

ان شاء الله در آن جایگاه باید گفت که فایده دهد

مفهوم کلی: هر سخن جایی و هر نقطه مکانی دارد.

پیام حکایت: انجام تمام کارها بدست خدوند است

انسان باید در هر کاری به خداوند تکیه کند و ایام خودش به خداوند متعال را داشته باشد و از او کمک بخواهد و راهی که دارد در آنجا قدم برمی دارد و موفق باشد.

آیا افراد سست ایمان نمی دانند که قدرتی بالاتر از خداوند متعال نیست

پس چه با بهتر است در هر کاری و در هر جا نقطه به خداوند یگانه تکیه کنیم

حتی در انجام کار راحتی همانند خرید یک خز

دستور زبان: صفت پرسشی، صفت تعجبی:

صفت پرسشی: هر گاه واژه های « کدام، کدامین، چه، چگونه، چطور، چطور، »

چقدر، چه اندازه، چند، چندم، هیچ همراه اسم بیایند **صفت پرسشی** نامیده می شوند.

اما اگر با اسم همراه نباشند یا به تنهایی بیایند **ضمیر پرسشی** محسوب می شوند.

کدام کیف را خریدی؟ صفت پرسشی

کدام را خریدی؟ ضمیر پرسشی

صفت تعجبی: هر گاه واژه های « چه، عجب، چقدر » همراه اسم باشند صفت تعجبی هستند. و اگر به

تنهایی بیایند ضمیر تعجبی هستند.

چه مسجد زیبایی! چه صفت تعجبی است.

نکته 1: «چه» هم می تواند صفت پرسشی باشد هم می تواند صفت تعجبی باشد.

چه کتابی خریدی !

چه کتابی خریدی ؟

نکته 2: «چه» هم می تواند ضمیر تعجبی باشد هم می تواند ضمیر پرسشی باشد .

چه کردی !

چه کردی ؟

نکته 3: «چقدر» هم می تواند صفت تعجبی باشد هم می تواند صفت پرسشی باشد .

چقدر دانش آموز به مدرسه آمده ! **صفت تعجبی**

چقدر دانش آموز به مدرسه آمده اند ؟ **صفت پرسشی**



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد